



## گفتگوی آذر مدرسی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

## قطعنامه درباره اوضاع افغانستان

دفتر سیاسی حزب  
کمونیست کارگری ایران

صفحه ۲

## چند خصوصیت مهم مبارزات جوانان در هفته ایی که گذشت

صفحه ۴

## فرم درخواست عضویت در سازمان جوانان کمونیست

صفحه ۴

## رادیو انترناسیونال

۲۵ متر

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب

بوقت تهران

radio7520@yahoo.com

به دیگران اطلاع بدهید

تلفن:

0044 771 461 1099

اطلاعات و پیامگیر رادیو

0044 208 962 2707

مردم در ایران چند روز در بهت و شوک این وحشیگری غیر قابل توصیف بودند، اما بعد از گذشت چند روز اعلام نفرت از تروریسم اسلامی شروع شد. نمونه بارز آن حرکت جوانان در میدان محسنی بود. اعلام همبستگی با مردم امریکا، محکوم کردن حمله تروریستی علیه مردم امریکا از طرف جوانان خیلی روشن حرکتی علیه جمهوری اسلامی بود. این فقط همبستگی با مردمی که قربانی داده بودند نبود در عین حال اعلام نفرت از جمهوری اسلامی و حاکمیت مذهب در ایران بود و مانند هر تحرک دیگر جوانان به زدوخورد با

مقابله با این تروریسم و ریشه های آن به مهمترین مسئله مردم تبدیل شد و طبیعی است که جمهوری اسلامی بعنوان یک رژیم تروریستی و یکی از ارکان اسلام سیاسی در منطقه در اذهان عمومی مطرح شد. فشار بر اسلام سیاسی یکی از پیامدهای این فاجعه بود. این فشار بلافاصله صفتبندیهای جدیدی را در میان خود رژیم بوجود آورد. جناح راست بلند کردن مجدد پرچم اسلام و هویت اسلامی رژیم را در دستور داشت و خاتمی و بخشی از دو خرداد نزدیکی به غرب و امریکا را راه نجات رژیم میدیدند.

### جوانان کمونیست:

۱۱ سپتامبر و پیامدهای آن تا چه حد اوضاع ایران بخصوص مبارزات مردم و جوانان را تحت الشعاع خود قرار داده است؟

### آذر مدرسی:

فاجعه ۱۱ سپتامبر ظرفیت ضد بشری تروریسم اسلامی را نشان داد. تروریسم اسلامی به یک مسئله مهم در دنیا تبدیل شد. چه از طرف دولت‌های غربی و امریکا که خودشان در بوجود آوردن این تروریسم در منطقه نقش مهمی ایفا کردند و چه بویژه برای مردمی که در ۱۱ سپتامبر اوج توحش جنبش اسلامی را دیدند.

نیروهای رژیم کشیده شد. بخصوص امکان سرنگونی طالبان مردم را در ایران که سالهاست تحت حاکمیت سیاه مذهب و تروریسم اسلامی هستند را به خلاصی از این رژیم امیدوارتر کرده در متن همین اوضاع و وضعیت روحی مردم است که ما شاهد تقابلهای جدیدی بین مردم و رژیم هستیم.

صفحه ۲

بخود بگیرد. گوشها برای شنیدن حقایق و آنچه که بر مردم ایران و منطقه رفته است شنوا تر شد. دیگر امکان مباحثات و کنار آمدن تمام عیار دولتهای غربی با حکومت‌های اسلامی مانند سابق ممکن نیست. واقعه ۱۱ سپتامبر سیر واگرایی جنبش اسلام سیاسی را تشدید کرد و فی الحال یکی از مراکز قدرت آن بغل گوش جمهوری اسلامی کارش تمام است. آینده افغانستان هرچه باشد، دیگر حکومت نوع طالبانی نخواهد بود. این جدال برسر تعریف تجدید رابطه غرب با اسلام سیاسی است و لزوماً به گانگسترهای طالبان محدود نخواهد شد. و اگر قرار است طالبانها سرنگون شوند و سرنگونی آنها از سمپاتی بین المللی و مردم این کشور برخوردار باشد، چرا پسر عموهایشان در ایران سرکار بمانند؟ چرا وسیعتر برای یکسره کردن کارشان به میدان نیامد؟ و

صفحه ۳



## جوانان و شرایط جدید، جبهه های اصلی نبرد کدامند؟

سیاوش دانشور

طالبان، و همینطور موج برگشت ضد مذهبی در ایران که سند تمام عیار شکست سیاسی-ایدئولوژیک این جنبش است، فاکتورهائی هستند که این روند را غیر قابل بازگشت میکنند.

### چرا شرایط جدید؟

واقعه ۱۱ سپتامبر در حقیقت پاسخ بخش دیگری از جنبش اسلام سیاسی به موقعیت رو به اضمحلال این جنبش بود. این تلاش برای اعاده قدرت و سهم خواهی در قدرت سیاسی منطقه ای و جهانی توسط این جنبش است. اما همین واقعه باعث شد که تصفیه حساب با اسلام سیاسی تشدید شود و ابعادی بین المللی

جمهوری اسلامی، بعنوان رژیم یک مشت اوباش آدمکش، مدت‌هاست که مورد تنفر و خشم عمومی مردم است. استفاده مردم و جوانان از فرصتهائی که دست میدهد، و اعلام صد باره اینکه آخوند و پاسدار و اسلام نمیخواهیم، حلقه های مختلف یک تصفیه حساب و جدال نهائی با جمهوری اسلامی است. همینطور اسلام سیاسی در سالهای اخیر، شکست اسلاميون در ترکیه و الجزایر، و بویژه بن بست همه جانبه جمهوری اسلامی بعنوان یکی از مراکز اصلی آن، سیر قهقرائی را طی کرده است. افول اسلام سیاسی، به مصادف طلبیده شدن جمهوری اسلامی و رژیم

اجتماعات توده ای و سراسری اخیر جوانان بدنبال مسابقات فوتبال، برپائی جشن و شادی و قرق خیابانها، شاید در نوع خود جدید نباشد. این حقیقتی است که جوانان و مردم ایران در بزنگاههای خاصی که میتوانند نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی را دچار فلج کنند، با اعتماد به نفس بیشتری به خیابانها میریزند تا قدرتشان را به همدیگر و همینطور به حکومتی ها خاطر نشان کنند. اما اجتماعات این یکی دو بار آخر بدرجه ای متاثر از اوضاع و احوال سیاسی مهمتری بود که آینده جمهوری اسلامی خود یک گوشه آنست.

## گفتگوبا آذر مدرسی

### جوانان کمونیست:

طی این مدت ما شاهد اعتراضات و درگیریهای میان جوانان و نیروهای رژیم در چندین شهر بوده ایم، این مسئله را چگونه میبینید؟

### آذر مدرسی:

این اعتراضات قبل از هرچیز نشان میدهد که برای جوانان مسئله سرنوشتی جمهوری اسلامی کماکان در دستور است و مثل همیشه از هر فرصتی و بهانه ای برای تقابل با جمهوری اسلامی استفاده میکنند. آنان میبینند که در این شرایط اسلام سیاسی در منطقه و جمهوری اسلامی تحت فشار قرار گرفته، رژیم و بخصوص جناح راست از ترس اوجگیری جنبشهای اعتراضی عقب نشینانهی کرده و دیگر صحبتی از شلاق و اعدام

در ملامت نیست و شکافهایی که میان صفوف رژیم بوجود آمده است. مردم با هوشیاری سعی میکنند در این موقعیت فشار بیشتری را بر رژیم وارد کنند. بطور واقعی روحیه تعرضی مردم و بخصوص جوانان بالا رفته و توازن قوای جدیدی بین مردم و رژیم در حال شکل گیری است.

امروز دیگر گسترده تر کردن این مبارزات و پیشروی بیشتر میتواند این توازن قوا را هرچه بیشتر به نفع جنبش آزادیخواهان مردم تغییر دهد.

### جوانان کمونیست:

بعد از این وقایع مسئله جوانان دوباره به یکی از مسائل مورد بحث تبدیل شده است لکن از طرفی صحبت از هجوم فرهنگی غرب

است و از طرف دیگر رژیم اعلام کرده که شادی مشروع و آزاد است.

### آذر مدرسی:

تقابل فرهنگی و سیاسی جوانان با رژیم بسیار عمیق است، تمایل و تلاش برای انطباق خود با فرهنگ متمدن امروزی، دسترسی وسیع آنان به اینترنت و ماهواره عملاً کنترل را برای رژیم غیر ممکن کرده است. شلاق زدن، حمله به "کافی شاپ" ها و خط و نشان کشیدنهای رژیم نه فقط این تمایل و تلاش را ضعیف نکرده که آنرا تشدید کرده است. مدتها است سران رژیم از استیصال جوانان، از ناامید شدنشان از هر نوع بهبودی در چارچوب رژیم صحبت میکنند و هشدار جذب جوانان به فرهنگ غرب را میدهند. اما امروز تفاوت این است که دیگر بحثشان خطر جذب نیست بحث بر سر از دست رفتن جوانان است

حتی مرتجعترین افراد مانند مصباح یزدی صحبت از این میکنند که جوانان بی دین شده اند و غرب در جذب آنها موفق بوده است. ما در آینده شاهد یک جنبش عظیم ضد مذهبی در ایران و بخصوص در میان جوانان خواهیم بود.

اما در مورد مشروعیت شادی، فراموش نکنیم که چند ماه پیش همین رژیم شلاق زدن و اعدام در ملا عام را بطور وسیعی انجام میداد و خیلی روشن داشت فضای رعب و وحشت را در جامعه بوجود می آورد، حدود سه ماه پیش طرحی را تصویب کردند که حتی شنیدن موزیک با صدای بلند در خیابانها، کراوات زدن و هر نوع ظواهر فرهنگ غیر اسلامی را ممنوع اعلام کرده بودند.

سران رژیمی که هویتش ضدیت با شادی و آزادی مردم است، امروز در باره فوائد به رسمیت ندارد.

شناختن شادی به هم گوشزد میدهند و بیشتر از آن به جوانان پیام میدهند که مزاحم شادیشان نمیشوند یک اتفاق مهم است. امروز در این اوضاع دیگر رژیم نه فقط از تعرض به مردم و دنبال کردن سیاست ایجاد رعب و وحشت عقب نشینی کرده بلکه سعی میکند امتیازهایی به جوانان بدهد تا از تحرک بیشتر و تعرض بیشتر جلوگیری کند. جمهوری اسلامی تلاش میکند این موقعیت را با کمترین خطر پشت سر بگذارد و مجدداً خود را برای رودرویی با مبارزات مردم آماده میکند. در چنین شرایطی مردم و بخصوص جوانان میتوانند جنبش اعتراضی خود را وسیعتر و تعرضی تر به پیش برند و جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی های بیشتری کنند. نباید این فرصت را به جمهوری اسلامی داد. جمهوری اسلامی از دست مردم و جوانان خلاصی ندارد.

## قطعنامه درباره اوضاع افغانستان

مافیایی اسلامی اند، که ابتدایی ترین حقوق انسانی از آنان سلب شده و موقعیتشان تا حد یک برده تنزل پیدا کرده است.

با در نظر گرفتن شرایط فوق حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که:

۱- سرنوشتی طالبان و رهایی مردم افغانستان از این بختک اسلامی-مافیایی، خواست اکثریت عظیم مردم افغانستان، قدمی بجلو و پیش شرط دستیابی به یک جامعه آزاد و انسانی در افغانستان است.

۲- حمله نظامی آمریکا و بریتانیا به افغانستان علیرغم آنکه تحت عنوان مبارزه با تروریسم انجام گرفته است، نه تنها تروریسم را تضعیف نخواهد کرد، بلکه آنرا شدت میبخشد. این حمله بطریق اولی بخاطر دفاع از مردم افغانستان در مقابل طالبان نیست بلکه بدلیل تضاد منافی است که با اسلام سیاسی و تروریسم

عنان گسیخته این جنبش پس از ۱۱ سپتامبر در دستور آنها قرار گرفته است. طالبان و جریانان اسلامی را دولت آمریکا و غرب شکل دادند و به جان مردم

فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر مساله افغانستان و طالبان را به یک مساله مبرم جهانی تبدیل کرد. حمله نظامی آمریکا و بریتانیا به افغانستان تحت عنوان مبارزه با تروریسم و دستگیری اسامه بن لادن، سرنوشتی طالبان، این جریان فوق ارتجاعی اسلامی را که زندگی مردم افغانستان را به تیاهی کشانده، بسیار محتمل کرده است.

بیش از دو دهه جنگ داخلی میان جریانان ارتجاعی، اسلامی، جنایتکار، گانگستر و قاچاقچی مواد مخدر، که با حمایت کامل نظامی، سیاسی، و اقتصادی دولتهای غربی و در راس آن آمریکا بر افغانستان حاکم گردیده اند، هر نوع مدنی را در این کشور نابود کرده است. بیش از دو میلیون کشته، هزاران نفر معلول، میلیونها نفر آواره حاصل این جنگ خونین است.

مردم افغانستان تحت حاکمیت این جریانان، بویژه طالبان، از ابتدایی ترین حقوق خود محروم و وحشیانه سرکوب شده اند. زنان اولین قربانیان این باندهای

افغانستان انداختند و خود اینها مهمترین مانع سقوط آن بودند. ۳- هرگونه حمله نیروهای آمریکا و موثلفین آن به مردم غیر نظامی افغانستان و تخریب شهرها و روستاها و زیرساختها و وسایل مادی زندگی شان محکوم است. ۴- موضع جریاناتی که از مخالفت درست و اصولی با میلیتاریسم آمریکا، به حفظ وضع اسفناک و جهنمی موجود و رها شدن مردم افغانستان زیر دست طالبان میرسند، پسیفستی است و در عمل به یک خواست انسانی و پیشرو پشت میکند. ۵- سازمان ملل مسئول حمایت همه جانبه از آوارگان افغانی است. باید حق پناهندگی مردم افغانستان در کشورهای همجوار آن و در سطح بین المللی برسمیت شناخته شود، شرایطی انسانی برای آنان فراهم شود و حرمت آنها مصون بماند.

۶- تنها یک حاکمیت سکولار که آزادیها و حقوق مدنی و فردی مردم افغانستان و حقوق انسانی و برابر زنان را محترم شمرده و تضمین میکند، قادر خواهد بود که مدنیت را به افغانستان بازگرداند و شرایطی را ایجاد کند که مردم بدون رعب و وحشت دائم بتوانند در یک شرایط متعارف دولت منتخب خود را سر کار بیاورند. ۷- هر نوع بند و بست دولت

آمریکا، دولتهای غربی و منطقه برای حقن کردن جریانات مرتجع و اسلامی بر مردم افغانستان، از جمله آلترناتیوهای قومی و اسلامی از قماش لویا جرگه و اتحاد شمال، غیرقابل قبول و محکوم است.

۸- سازمان ها، جریانات و مردم آزادیخواه، بشردوست و مترقی باید سازمان ملل و دولتهای غربی را برای تضمین شرایط فوق تحت فشار بگذارند، و خواهان آن شوند که ترتیبات سیاسی ای که در صورت سرنوشتی طالبان در افغانستان حاکم میشود اصول زیر را بعنوان اصول پایه حقوق مردم افغانستان محترم شمرده و تضمین کند:

(الف) آزادی مردم افغانستان، از جمله آزادی بیان، تشکل و عقیده؛ (ب) آزادی مذهب و بی مذهبی؛ (ج) حقوق فردی و مدنی کلیه مردم؛

(د) برابری زن و مرد؛ (ه) لغو قوانین ضد زن موجود؛ (و) برقراری یک دولت سکولار غیرمذهبی- غیرقومی؛

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ مهر ۱۳۸۰ - ۱۲ اکتبر ۲۰۰۱

## چند خصوصیت مهم

هم شرکت و دخالت وسیع زنان است.

حساسیت بالای جوانان و مردم در شهرهای مختلف و همراهی کردن همزمان جوانان در شهرهای مختلف و سر دادن شعارهای مختلف ضد حکومتی باعث شد که این جنبش از امکان گسترش برخوردار شود ایزوله و سرکوب نشود.

ادامه این اعتراض علیه دستگیری های وسیع باعث شد که سران رژیم بویژه در این اوضاع با دم شیر بازی نکنند و به قول مصطفی صابر طالبان بازی را در مقابل جوانان کنار بگذارند.

تعداد زیادی به گفته خود رژیم آزاد و عده دیگری هنوز در زندانند که باید تلاش و مبارزه کرد تا آزادی همه آنها هم تضمین شود.

ادامه این جنبش و پیشروی گام به گام جوانان در این زمینه مستلزم ادامه، تشدید و گسترش این اعتراضات است. باید دید که چگونه میتوان پس از این ضربه محکم به این رژیم با قدمهای بعدی این دستاوردها را نه فقط حفظ بلکه تعمیق و گسترش بخشید.

# مرگ بر جمهوری اسلامی ! زنده باد جمهوری سوسیالیستی !

## جوانان و شرایط جدید،

### جبهه های اصلی نبرد کدامند؟

این موضوعی است که هم مردم ایران و هم سران رژیم بدستی آن را درک میکنند. واقعه ۱۱ سپتامبر شکاف عمیق سیاسی و فرهنگی بین حکومت و مردم ایران را عمیقتر کرد. جوانان در همدردی با قربانیان تروریسم در آمریکا اجتماع میکنند و شعار "مرگ بر طالبان" سر میدهند. اما حکومت که خود را تحت فشار میبیند نمایش نخ نمای "مرگ بر آمریکا" راه می اندازد. و جالب است که همان روز دهها و صدها هزار نفر در شهرهای ایران فریاد میزنند "آخوند برو گمشو" و به جدالی گسترده در خیابانها با رژیم اسلامی رو می آورند. اگر میبینید صغندی درون رژیم بهم میریزد و همه شان یاد "منافع ملی"، که همان اسم رمز بقای حکومت است، می افتند به این دلیل ساده است که دوره رفتن آخوندهای از گور برخاسته تسریع شده است. این شرایط جدید وظایف مهمی را در مقابل جنبش اعتراضی جوانان قرار میدهد.

سکولار دست به کار سازماندهی محافل دانشجویی، راه انداختن بحث و جدل و اعتراض شوند. **۴- نقد ناسیونالیسم:** اینروزها نغمه های "منافع ملی" ورد زبان مطبوعات حکومتی و جریانات اسلامی شریک در رژیم است. با تحت فشار قرار گرفتن اسلام سیاسی دوز تبلیغات ناسیونالیستی و ملی گرایانه و تلاش برای تفرقه انداختن بر اساس ملیت و قومیت میدان پیدا میکند. هم رژیم اسلامی و

زمینی آن را در زندگی دهها میلیون مردم ایران و منطقه نقد و افشا کرد. هیچ زمانی مانند ایندوره شرایط برای عبور کردن از ارتجاع مذهبی و اسلامی فراهم نبوده است. پس زدن نقدهای دستگاهی و خانوادگی از حکومت و هدف قرار دادن خود تفکر و ایدئولوژی اسلامی از موضع آزادی و برابری انسانها، باید به یک وجه مهم فعالیت جوانان و جنبش ضد مذهبی در ایران تبدیل شود.



جشن جوانان در خیابانها جمعه ۲۰ مهر

بعنوان یک طبقه اجتماعی و دخالتهی در امر سیاست و سرنوشت سیاسی جامعه، امر پیروزی و یک آینده بهتر را تضمین میکند. مضافا اینکه بیشتر جوانان خود فرزندان خانواده های کارگری و محروم جامعه هستند. مورد اصفهان و پیوستن جمعیت وسیعی از مردم شهر به تظاهرات کارگران و همگانی شدن جوانان باید در دستور فوری خود بگذارد. اعتصابات و اجتماعات کارگری باید مورد حمایت وسیع جنبش اعتراضی جوانان قرار بگیرد. تشکلهای مسلمان و رژیمی از هم کیشانشان در خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار دفاع میکنند، جوانان چپ و سکولار باید از مبارزات طبقه کارگر و سیاست کمونیستی کارگری برای تغییر جامعه دفاع کنند.

**۶- شعارهای صلیبی:** جوانان و جنبش نخواستن رژیم اسلامی باید با شعارهای صلیبی در میدان اعتراض و اجتماع و مبارزه فکری و سیاسی ظاهر شود. مردم باید بدانند دقیقا چه چیزی را نمیخواهند. "جمهوری اسلامی نه"، "آپارتاید جنسی نه"، "قوانین اسلامی نه"، "شکنجه و اعدام الغا باید گردد"، "حکومت مذهبی نه"، "آخوند برو گمشو"، "دست مذهب از زندگی مردم کوتاه"، "فقر و فلاکت نه"، "سرمایه داری نه"، از جمله شعارهایی هستند که در کنار مطالباتی مانند آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی و برابری بقیقید و شرط زن و مرد همین امروز میتوانند در صدر شعارهای اجتماعات و تظاهراتهای جنبش سکولار جوانان قرار گیرند.

**۷- سازماندهی محافل کمونیستی:** و مهمتر اینکه نیرو و اسکت اصلی سازماندهی و پیشبرد این وظایف مهم جوانان کمونیست و سوسیالیست هستند. تشکیل محافل کمونیستی برای رهبری عملی این مبارزات و همفکر کردن تعداد هرچه بیشتری از جوانان با سیاستها و اهداف جنبش آزادیخواهانه کمونیسم کارگری، پیوستن به سازمان جوانان کمونیست و حزب کمونیست کارگری، انتخاب سیاسی مهمی است که نقش تعیین کننده ای در جدالی که پیش رو داریم ایفا میکند.

هم جریانات طرفدار آن در اپوزیسیون هم اکنون دارند این ظرفیت را از خود بروز میدهند. مستقل از اینکه حکومت اسلامی بدون اسلام و انجازه انجازه نمیتواند سرپا بماند، اما "منافع ملی" اسم رمزی برای دفاع از حکومت و اساس جمهوری اسلامی و رقابتهی در درون کمپ جنبش ملی-اسلامی است که در دشمنی با امر آزادی جوانان و مردم ایران تاریخ سیاهی دارند. مضافا اینکه تبلیغات ناسیونالیستی در دوره های بحرانی در خدمت نظامیگری و گسترش میلیتاریسم، برجسته کردن عرق ملی و سرکوب مردم معترض مورد استفاده قرار میگیرد. مقابله با تمایلات ارتجاعی ناسیونالیستی در درون و بیرون حکومت یک وجه مهم دیگر مبارزه فکری و سیاسی جنبش اعتراضی جوانان در ایندوره است.

**۵- همگانی کردن اعتراضات کارگری:** اعتراضات و اجتماعات کارگری هر روز در ایران گسترش می باید. به میدان آمدن کارگران

**۳- افشا و طرد تشکلهای دولتی:** در شرایطی که حکومت اسلامی در موضع تدافعی قرار دارد، امکان بیشتری به تشکلهای دست ساز دولتی مانند دفتر تحکیم وحدت و انجمنهای اسلامی خواهد داد. هدف رژیم مانند گذشته قالب زدن اعتراض جوانان در مرزهای فکری و سیاسی حکومت است. اما ما هیچوقت آنجائی که آنها خواسته اند متوقف نشده ایم. امروز زمان پیشروی و تعرض است. باید مقابله و افشا این جریانات ارتجاعی بیشتر از هر زمان دیگری در دستور قرار گیرد. دانشگاهها و محیطهای آموزشی باید دست جوانان چپ و کمونیست و سکولار بیافتند. اوضاع اخیر در عین حال شکاف در این جریانات دانشجویی اسلامی را نیز تشدید میکند. این دوره ایست که میتوان تشکلهای اسلامی و دستگاهی را منزوی کرد و ابتکار عمل سیاسی در محیطهای آموزشی را بدست گرفت. وقت آنست که فعالین چپ و کمونیست و

نبودن؟! با شادی جوانان و دعوای بعدی میان جناحهای حکومت، اعلام شکست این سیاست و بسته شدن این دکان است. این باید تثبیت شود. تقابل همه جانبه با ارزشها و قوانین اسلامی، تشدید شکستن دیوارهای رژیم آپارتاید و تحمیل عقب نشینی بیشتر به دم و دستگاه سرکوب، یک وجه مهم فعالیت و رویارویی جوانان با رژیم اسلامی در ایندوره جدید است.

**۲- نقد اسلام و تروریسم اسلامی:**

مسخره کردن آخوند و نقد فکلیتوریک اسلام در کوچه و خیابان وسیله سرگرمی مردم در دو دهه گذشته بوده است. اما نقد صریحتر اسلام و تروریسم اسلامی، در شرایطی که خودشان هم زیر فشار مجبورند "علیه تروریسم" حرف بزنند، عرصه ای است که دیوارهای شکسته رژیم اسلامی را ویران میکند. باید آگاهانه بحث عقب مانده قرآنتهای مختلف از اسلام را به ریشخند گرفت و خود اسلام و عملکرد

### جبهه های اصلی نبرد

گام اول هدف اعلام شده جنبش سرنگونی جوانان و مردم ایران به زیر کشیدن تمام و کمال این حکومت جنایتکار است. برای نزدیک شدن و تسریع این هدف باید در جبهه های متعددی پیشروی کرد. این بویژه در ایندوره که جمهوری اسلامی در موضع دفاعی تر قرار دارد اهمیت بسزائی دارد:

### برنامه رادیویی سازمان

جوانان کمونیست  
از  
رادیواتر ناسیونال

۲۵ متر

۱۱۶۲۵ کیلو هرتز

هر هفته شنبهها

۹:۳۰ تا ۹:۴۵ شب

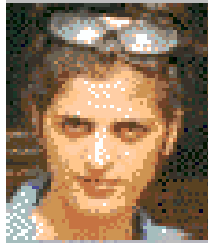
بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

# دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

## چند خصوصیت مهم مبارزات جوانان در هفته ایی که گذشت!

مهرنوش موسوی



ملی و یا گویی پیروزی تیم ملی، جوانان را به هیجان آورده است. هیچکدام از اینها نبود. بهتر است سر خودشان را شیره نمانند.

اعتراض گسترده و وسیع جوانان مبارز و جنبش سرنگونی طلب و سکولار دختران و پسران هنوز پس از یک هفته سران رژیم را دچار گیجی کرده است. تحلیل چند و چون این تحرکات اخیر و کشف سازمانیابی و یا عدم سازمانیابی و راههای مقابله با آن یکی از مهم ترین دستورات العمل های سران حکومت در طی نشست های مکرر این هفته پس از درگیریهای وسیع و گسترده جوانان بود. اقدامات انتظامی رژیم و ترس و وحشتی که در صفوف آن خود را در مجیز گویی خاتمی و تملق گویی اش خطاب به جوانان منعکس میکرد گواه این امر است. ما عکس این غول را در لرزه ایی که بر اندام سران این حکومت انداخت دیدیم.

برای خیلی ها و از جمله دوم خردادی های داخل و خارج این مهم بود که ادعا میکردند عرق

وسیع و عمومی یکی دیگر از وجوهات درخشان این جنبش وسیع بود. خود مقامات رژیم اعتراف کردند که غالب دستگیر شدگان بین ۱۷ تا ۲۱ سال دارند. همان نسلی که سران حکومت گیر کرده اند چطور اینها را مسلمان و نماز خوان و ضد غربی و طرفدار حکومت کنند. جنبش و تحرک جوانان به خوبی جای این نسل را در فضای سیاسی جامعه دوباره یادآور شد. به قول یکی از فعالین این جنبش: کاری کردیم که مجبور شوند به نقش و اهمیت این نسل در تحولات سیاسی همین امروز اعتراف کنند.

اسلامی در کل دنیا زیر ضرب و فشار است، برادران رژیم اسلامی ایران و همپالگیهایشان در افغانستان و کل منطقه تحت فشار هستند، انتخاب فوتبال و حق شادی کردن و رقصیدن و رژیم را گوش مالی دادن و به عقب نشینی وادار کردن به مقاومت و مبارزه مردم و جوانان در تابستان هم خوب جفت شد. یک قدم دیگر این جنبش برای یکسره کردن کار این حکومت بود. شرکت و تحرک وسیع جوانان و نوجوانان بویژه در این مبارزه میدان نور حتی به گفته یکی از

صفحه ۲

## فرم درخواست عضویت در سازمان جوانان کمونیست

درراه مبارزه برای یکجامه آزاد و برابر به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!

نام و نام خانوادگی:

سال تولد:

آدرس پستی:

تلفن:

تاریخ:

آدرس e mail:

امضا:

لطفا فرم را به آدرس پستی زیر بفرستید.

## جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان کمونیست

سردبیر: بهرام مدرسی

تلفن:

0049 174 944 0201

آدرس سایت :

www.jawanan.org

e mail: javanane-komunist@web.de

Jawanan

آدرس پستی:

Postfach 62 05 15

10795 Berlin /

Germany

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست در اروپا:  
 دانمارک: لایلا ضمیر نژاد 0045 28 15 94 06  
 انگلستان: فرشاد پویا 0044 776 110 66 83  
 آلمان: نهبه ز احمدزاده 0049 173 2 98 98 98  
 سوئد: مریم طاهری 0046 70 48 68 64 7  
 دبیرسازمان جوانان کمونیست، بهروز مدرسی 0049 172 295 76 03

از این سایتها دیدن کنید: www.rowzane.com www.haftegi.com  
 www.wpiran.org www.hambastegi.org  
 www.wpibriefing.com www.medusa2000.com

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!